

بررسی فقهی و حقوقی

راهکارهای تعیین ضامن در تداخل عرضی اسباب*

- عبدالحسین رضائی راد^۱
- معصومه سیاحی^۲
- خسرو نشان^۳

چکیده

ضرورت جبران خسارت ناروا و قاعده ضمان از اصول مسلم و پذیرفته شده در فقه و حقوق هستند. اما آنچه مورد بحث است، چگونگی تطبیق قواعد بر موارد آنهاست. یکی از مشکل ترین موارد تطبیق، تداخل چند سبب است که همگی مشترکاً در وقوع جنایت یا ورود خسارت دخالت داشته‌اند که چگونگی تعیین ضامن و تقسیم مسئولیت میان سبب‌ها محل اختلاف نظر است. عده‌ای به تساوی مسئولیت، گروهی به تسهیم به نسبت درجه تأثیر و مداخله و جمعی دیگر به تسهیم به نسبت درجه تقصیر عوامل در ایجاد حادثه زیانبار قائل شده‌اند. در مقابل، برخی دیگر مسئولیت اسباب متعدد را در مقابل زیان دیده، تضامنی دانسته

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۳۰.

۱. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) (ahrr39@scu.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز (sayahimasome44@gmail.com).

۳. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز (neshan.kh@gmail.com).

و آن را منطبق با قوانین و انصاف می‌دانند. نگارندگان اشتراک ضمان به میزان عرفی درصد تأثیر هر کدام در خسارت را عادلانه‌تر و قابل تطبیق بر موازین فقهی و وجدانی دانسته و به اثبات می‌رسانند.

واژگان کلیدی: تداخل اسباب، مسئولیت، ضامن، خسارت، تقصیر.

مقدمه

در رکن رابطه سببیت بین خسارت وارده و فعل زیانبار، گاهی یک عامل به صورت انفرادی باعث ایجاد خسارت شده است. تشخیص چنین رابطه‌ای آسان بوده، به راحتی می‌توان تشخیص داد که بین رفتار مرتکب فعل و خسارت ایجادشده، رابطه سببیت برقرار است یا خیر. اما چنانچه در ایجاد خسارت واحد، اسباب گوناگونی دخالت داشته باشند، فقها این حالت را تداخل یا اجتماع اسباب می‌نامند و در این صورت، تعیین عامل ایجاد خسارت، بسیار پیچیده است و به آن سادگی که در کتاب‌های فقهی مطرح شده است، نمی‌باشد. مباحث مطرح شده در منابع فقهی غالباً در حد تداخل مباشر و مسبب است که در اکثر مواقع، مباشر را ضامن دانسته‌اند؛ مگر اینکه سبب قوی‌تر از مباشر باشد. اما در موارد تداخل اسباب، فقها به اختصار به مثال‌های ساده و ابتدایی بسنده کرده‌اند. قواعد ساده‌ای که در آثار فقهی وجود داشته است، در جوامع امروزی کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا امروز با بعضی از حوادث جدید و گاه پیچیده روبه‌رو می‌شویم که تعیین و تشخیص مسئول بسیار مشکل است. منظور از تداخل یا اجتماع اسباب، مواردی است که مباشری در میان نیست و همه عوامل به صورتی غیر مستقیم در ایراد خسارت دخالت دارند. همین تداخل اسباب نیز خود به انواعی همچون طولی و عرضی متفرع شده است که هر کدام نیاز به بررسی جداگانه دارد و بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید. آنچه مربوط به موضوع مقاله می‌شود، تداخل عرضی اسباب است که در قالب یک مثال توضیح داده می‌شود. فرض کنیم که در یک حادثه رانندگی در خیابانی یک‌طرفه، دو خودرو یکی با سرعت غیر مجاز و دیگری بر خلاف مسیر در حرکت باشند و در اثر تصادم آن‌ها، عابری مصدوم گردد. در اینکه هر دو راننده به طور مشترک خسارت را ایجاد نموده‌اند و هر دو مسئول جبران خسارت زیان‌دیده هستند، اختلافی نیست. اما این پرسش مطرح می‌شود که هر کدام ملزم به

پرداخت چه میزان از خسارت هستند؟ آیا زیان‌دیده می‌تواند برای دریافت تمام خسارت، به هر یک از آن‌ها مراجعه کند یا خیر؟ هدف این پژوهش، یافتن مبنایی جامع و کامل برای تعیین مسئول از میان عوامل دخیل در خسارت است که با تحلیلی منابع فقهی و حقوقی در صدد یافتن نظریه صحیح و کارآمد در تداخل اسباب هستیم.

پیشینه تحقیق

در منابع فقهی تا ۴ قرن نشانی از بحث سببیت دیده نشده است تا اینکه در قرن پنجم برای نخستین بار در منابعی مانند *المهذب* ابن براج، *المبسوط* شیخ طوسی، با این بحث روبه‌رو می‌شویم. سپس فقهای بعد از ایشان در قرن هفتم در کتب *غصب*، *دیات* و *قصاص* و همچنین در برخی از مسائل و فروع و قواعد فقهی، به شکلی مفصل به این موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه محقق حلی در *شرایع الاسلام* و علامه حلی در *ارشاد الاذهان* در مبحث *غصب* به آن اشاره کرده‌اند. در میان اهل سنت نیز همانند امامیه، از قرن پنجم به بعد شاهد ظهور این اصطلاح در کتبی همانند *المبسوط* سرخسی و *بدائع الصنائع* کاسانی می‌باشیم. در عصر حاضر نیز حقوق‌دانان در برخی تألیفات از جمله *الزام‌های خارج از قرارداد* کاتوزیان و *حقوق تعهدات* قائم مقامی، به این موضوع پرداخته‌اند و در زمینه کیفیت شناسایی سببی که موجب ضمان شده است، راه‌ها و ملاک‌های متفاوتی را در فرض تداخل عرضی اسباب ارائه داده‌اند. اما اختلاف نظرهای بسیاری که وجود دارد و اشکالات فراوانی که از یکدیگر گرفته‌اند و لزوم تطابق این نظرها با موازین عقلی و شرعی، باب این بحث را همچنان باز نگه می‌دارد و ضرورت تبیین نظریه بهتر در این خصوص را روشن می‌سازد.

از سوی دیگر، گستره وسیع کاربرد این قاعده و فراوانی موارد ابتلا در دعاوی قضایی، دلیل دیگری است که ضرورت پرداختن بیشتر به موضوع این تحقیق را توجیه می‌کند.

گفتار نخست: مفهوم تداخل عرضی اسباب

تداخل عرضی اسباب، در مقابل تداخل طولی است و مقصود از آن این است چند نفر

در ارتکاب عمل زیانبار با هم مشارکت کنند و نتیجه، مستند به عمل همه آنها باشد. به عبارتی دیگر، چند سبب در عرض هم و به طور همزمان در وقوع خسارتی دخیل باشند؛ به خلاف تداخل طولی که سبب‌ها یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتند، بی‌آنکه وجود یکی شرط تأثیر دیگری باشد. در تداخل عرضی، وقوع سبب‌ها به نحوی است که خسارت ناشی از فعل، مستند به همه آنهاست؛ مانند آنکه اولین سبب چاقویی را در شکم مجنی علیه فرو کند و دیگری با سنگ به سر وی ضربه بزند. در این مثال، هر دو سبب شریک در جرم هستند و به عنوان فاعل مستقل جرم، به طور مساوی مسئول‌اند، با اینکه میزان مسئولیت آنها متفاوت است. علاوه بر همزمانی در ایجاد تلف، ضابطه‌ای دیگر نیز برای عرضی بودن اسباب بیان شده است و آن تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف است؛ یعنی اینکه هر گاه نتوان عامل ایجاد تلف را به اجزای مختلف تقسیم کرد و در عین حال، آن عامل خود توسط چند سبب ایجاد شده باشد، در این صورت خسارت به همه آن اسباب نسبت داده می‌شود و همه آن اسباب، در مسئولیت شریک‌اند؛ برای مثال هر گاه چند نفر با شهادت دروغ خود باعث شوند که قاضی حکم به قصاص یا اجرای حد در مورد کسی بدهد یا اگر چند نفر با هم شخصی را تهدید و مجبور به ارتکاب جنایتی نمایند، از آنجا که نمی‌توان تهدید را به اجزای مختلف تقسیم کرد، خسارت وارده به همه اسباب به صورت مساوی منتسب است، هرچند در زمان‌های مختلف، سبب‌سازی کرده باشند، مثلاً شاهدان به نوبت شهادت دروغ داده باشند که اگرچه در زمان‌های مختلف بوده، اما با توجه به نتیجه حاصله، آنها در عرض هم قرار می‌گیرند. در حقیقت عامل ایجاد تلف، امری واحد و بسیط است، گرچه توسط چند سبب ایجاد شده باشد. بنابراین در جایی که خسارت قابل تجزیه باشد و هر کدام را بتوان جداگانه به یکی از اسباب نسبت داد، از مصادیق تداخل عرضی اسباب نیست و خارج از محل نزاع است.

گفتار دوم: حکم اجتماع اسباب در حالت عرضی

فقهای اسلامی در صورتی که خسارت در اثر تداخل عرضی اسباب ایجاد شده باشد، بدون آنکه به مفهوم آن اشاره کنند، به صراحت حکم به ضمان مشترک و متساوی بین

اسباب داده‌اند؛ هر چند میزان قوت اسباب متفاوت باشد که در اصطلاح به آن تشریک یا «اشتراک در مسئولیت» گفته‌اند. برای مثال شهید ثانی در *مسالك الافهام* می‌فرماید: هر گاه شخصی چاهی را در محلی عدواناً حفر کند و دیگری در کنار آن سنگی را بگذارد و رهگذری به آن سنگ برخورد کند، اگر در وقت واحدی اتفاق بیفتد، در ضمان مشترک‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۶۴/۱۲).

شرکت در اصطلاح فقهی در مقابل تخییر قرار دارد و ناظر به تقسیم مسئولیت به‌طور مساوی بین اسباب است و تخییر به معنای تضامنی بودن مسئولیت بین اسباب است؛ یعنی اینکه زیان‌دیده مختار است به هر کدام که بخواهد رجوع کند و تمام خسارت خود را بگیرد (رشتی گیلانی نجفی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). اما در حقوق امروزی به تناسب گسترش موارد ابتلا و مصادیق این مسئله، نظریه‌های دیگری در خصوص اجتماع عرضی اسباب نیز مطرح شده است که در این قسمت، دلایل و مفاد هر یک از نظریه‌ها را در دو بند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند ۱: مسئولیت اشتراکی

بر اساس این نظریه که به توزیع مسئولیت تمایل دارد، فرض این است که هیچ یک از اسباب به تنهایی ضرر را به بار نیاورده است و اشتراک در سبب، علت آن است و باعث اشتراک در مسئولیت است. پس منطقی است که سهم هر یک از اسباب مشترک در ایجاد حادثه و ضرر معین شود و از طرفی پس از جبران زیان، رجوع هر یک از مسئولان به یکدیگر منتفی است؛ زیرا هر سبب جزء معینی از خسارت زیان‌دیده را جبران کرده و دیگر دلیلی برای رجوع او به سایر اسباب وجود ندارد، چون هر سبب تاوان عمل خود را داده است، نه تقاص کار دیگران را. در این خصوص عده‌ای از فقها می‌گویند:

هر گاه دو نفر یا بیشتر در قرار دادن سنگی اشتراک پیدا کنند، ضمان بر تمام آنهاست و ظاهر این است که ضمان بین آنها به تساوی است، اگرچه قوای آنها مختلف باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۲).

همچنین عده‌ای دیگر بیان می‌دارند:

اگر عده‌ای با هم کاری انجام دهند که منجر به قتل یکی از آنها به صورت خطا گردد، مثلاً موقع فرو ریختن دیوار توسط چند نفر، یکی از آنها زیر آوار رفته و کشته شود، در اینجا دیه بر همه از جمله مقتول توزیع شده و هر کس باید مقدار دیه مربوط به خود را به اولیای دم بدهد، بدون اینکه به میزان نقش و توان آنها در ایجاد حادثه توجه شود (موسوی خویی، ۱۹۷۵: ۲/۲۵۵).

برخی از فقها علت حکم دادن به تشریک را عدم ترجیح سببی بر سبب دیگر دانسته‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۱۲/۱۶۴).

پذیرش مسئولیت توزیعی بر خلاف مسئولیت تضامنی، زیان‌دیده را مجبور به طرح دعوای مسئولیت مدنی علیه همه اسباب زیان، برای جبران تمام خسارت وارده می‌نماید. زمانی که گفته می‌شود مسئولیت باید میان اسباب دخیل در زیان توزیع شود، این توزیع یا به صورت تساوی است یا به نسبت درجه تقصیر و یا به نسبت سهمی که هر یک از آنان در ایجاد خسارت داشته است. بنابراین در مسئولیت اشتراکی می‌توان سه معیار خسارت را میان اسباب زیان تقسیم نمود:

الف) تقسیم خسارت به نسبت تعداد مسئولان؛

ب) تقسیم خسارت به نسبت درجه تقصیر؛

ج) تقسیم خسارت به نسبت درجه تأثیر.

الف) تقسیم خسارت به نسبت تعداد مسئولان

نخستین و ساده‌ترین روشی که برای تقسیم مسئولیت در فرض تداخل عرضی اسباب به ذهن می‌رسد، تقسیم به تساوی است. در این معیار، ملاک تعیین سهم هر یک از مسئولان در میزان جبران خسارت، تعداد مسئولان است. به موجب این نظریه، هر گاه چند نفر مشترکاً سبب ورود خسارت به دیگری شوند، همگی به طور مساوی باید از عهده جبران خسارت زیان‌دیده برآیند؛ مثلاً اگر میزان خسارت وارد شده ۱ میلیون تومان و تعداد اسباب مسئول دو نفر باشد، هر کدام باید مبلغ ۵۰۰ هزار تومان به زیان‌دیده بپردازد.

در فقه اسلام نیز نظر مشهور فقها تقسیم مسئولیت به صورت مساوی است؛ برای

نمونه، برخی از فقها گفته‌اند چنانچه دو نفر سوار حیوان باشند و آن حیوان به شخصی آسیب برساند، هر دو سوار به طور مساوی ضامن‌اند و برای آن چنین دلیل آورده‌اند: «لأنَّ الحكم بالتساوی مطابق بالقاعدة من حيث استناد الجنایة إليهما بالتسبب فيما إذا لم يكن أحدهما صغيراً أو مريضاً والروایات أيضاً مطابقة للقاعدة»؛ زیرا حکم به تساوی [در ضمان]، از حیث استناد جنایت به آن‌ها مطابق قاعده است و این در صورتی است هیچ کدام از طرفین کودک یا بیمار نباشد و روایات نیز مطابق با قاعده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۲).

در این مسئله ادعای عدم خلاف شده است (موسوی خوبی، ۱۹۷۵: ۲۵۵/۲). فقه‌های امامیه صرف‌نظر از درجه تأثیر و درجه تقصیر اسباب در وقوع زیان، مسئولیت را بین آن‌ها به تساوی تقسیم کرده‌اند. حتی در برخی موارد تصریح نموده‌اند که اختلاف درجه تأثیر اسباب در وقوع زیان، هیچ تأثیری در نظام تقسیم مسئولیت نخواهد داشت (نجفی، ۱۳۶۲: ۹۹/۴۳؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۳: ۵۶۵/۹). از جمله مواردی که در فقه اسلام، مسئولیت اسباب زیان بدون لحاظ درجه تأثیر و تقصیر به طور مساوی تقسیم شده است، تصادم بین دو یا چند نفر است. در این خصوص، فقها در فرض تصادم دو یا چند نفر با همدیگر، هر یک از آن‌ها را ملزم به پرداخت نصف دیه طرف مقابل می‌کنند؛ اعم از اینکه هر دو پیاده و یا سوار بر حیواناتی از قبیل اسب و شتر باشند یا یکی از آن‌ها پیاده و دیگری سواره باشد. در این باره، برخی فقها با استناد به روایتی منتسب به امام علی علیه السلام^۱، مبنای این حکم را مقتضای اصل برائت دانسته، معتقدند که چون فوت هر یک از دو نفر، مستند به هر دوی ایشان است، پس ضمان آن مقدار از دیه که ناشی از فعل خود طرف است، بر عهده کسی نیست و ضمان آن مقدار از دیه که ناشی از فعل طرف مقابل است، بر عهده عاقله طرف مقابل است. نیز چنانچه در اثر این برخورد، علاوه بر دو سوارکار، حیوان هر یک هم تلف شود، نصف ضمان تلف حیوان متعلق به طرف مقابل باید از ترکه هر یک از دو سوارکار پرداخت شود. البته حکم قضیه در موردی که فقط یکی از طرفین در اثر برخورد فوت می‌کند نیز همانند فرض قبلی است

۱. «چنانچه دو نفر با هم برخورد کرده و در اثر برخورد فوت کنند، عاقله هر یک از آن‌ها ملزم به پرداخت نصف دیه طرف مقابل است» (طوسی، بی تا: ۲۷۲/۵-۲۷۴).

و نصف دینه متوفی بر عهده طرف مقابل خواهد بود.

یکی دیگر از مواردی که در فقه، مسئولیت به طور مساوی تقسیم شده است، عبارت است از پرتاب سنگ با منجنیق (وسیله‌ای برای پرتاب سنگ) به نحوی که منجر به قتل یکی از افرادی شود که به کمک یکدیگر مبادرت به پرتاب سنگ کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۰۷/۴۳).

مورد دیگر جایی است که سه نفر در حفر چاهی همکاری می‌کنند و یکی از آنها در اثر ریزش چاه فوت می‌کند. فقها در این مورد بدون در نظر گرفتن میزان تقصیر و تأثیر، حکم به توزیع مسئولیت به نسبت مساوی بین همه مسئولان کرده‌اند؛ بدین گونه که چون قتل مستند به همه اسباب است، پس ضمان آن مقدار از دیه که ناشی از فعل طرف مقابل است، بر عهده خود اسباب است. بنابراین مسئولیت به طور مساوی تقسیم می‌شود و به میزان توان و قوای هر یک از آنها در ایجاد حادثه توجه نمی‌شود.

در تأیید این نظریه، قانون‌گذار به پیروی از نظر مشهور در فقه، ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) را به گونه‌ای تنظیم نموده که تداخل اسباب باعث اشتراک و برابری در مسئولیت میان اسباب متعدد می‌شود. به موجب این ماده:

هر گاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.

بنابراین در این قانون نیز مانند قانون سابق،^۱ در اسباب عرضی اگر چند نفر در ایجاد سبب منجر به قتل یا یکدیگر مشارکت نمایند، مانند آنکه با کمک یکدیگر فردی را جلوی یک حیوان درنده رها کنند و حیوان او را بدرد، حکم به مسئولیت همه اسباب داده‌اند.^۲

۱. مطابق ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه چند نفر با هم سبب خسارتی یا آسیبی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود».

۲. همچنین مواد ۳۳۴ تا ۳۳۷ همان قانون، حکایت از تقسیم مسئولیت به طور مساوی میان دو نفر که خود یا وسیله نقلیه‌شان به همدیگر برخورد نموده و منجر به ایجاد زیان شده، دارد.

بنابراین در تداخل اسباب عرضی، چنانچه نتوان نتیجه را به فقط به یکی از آنها نسبت داد و در واقع رابطه سببیت میان مجموع آن اسباب و نتیجه برقرار باشد، در این صورت اگر ارتکاب جرم عمدی باشد، همگی شریک محسوب شده و به عنوان فاعل مستقل، مجازات می‌شوند و در صورتی که نوبت به دیه برسد، به طور مساوی مسئول و عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود. در این خصوص، رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۹۰/۲/۶-۷۱۷ نیز این مسئله را مورد تأیید قرار داده است. در این رأی اظهار شده است:

بر حسب ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی، هر گاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه، منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر به هر میزانی که باشد، به نحو تساوی خواهد بود. بنابراین رأی شعب بیست و هفتم دیوان عالی کشور که مطابق این نظر صادر شده، به اکثریت آرا، موافق قانون تشخیص داده شده و تأیید می‌گردد. این رأی، مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نقده نظریه

اتخاذ معیار تقسیم خسارت به تساوی، هر گاه تأثیر اسباب در وقوع حادثه زیانبار برابر و مساوی باشد، کاملاً منطقی و منطبق با حقوق و عدالت است. اما هر گاه تأثیر اسباب در ایجاد حادثه زیانبار نابرابر باشد، این معیار با دو ایراد روبه‌روست:

ایراد اول: سببی که تأثیرش در ایجاد خسارت کمتر از بقیه اسباب بوده، قسمتی از بار مسئولیت دیگران را نیز بر دوش می‌کشد و این مخالف با عدالت و اصل شخصی بودن مسئولیت‌هاست؛ زیرا هر کس مسئول اعمال خود می‌باشد، نه آنچه از دیگران سر زده است.

ایراد دوم: سببی که تأثیرش در ایجاد خسارت بیش از قسمت مساوی بوده، از ایفای بخشی از مسئولیت ناشی از عمل خود و به ناحق معاف می‌شود و این مغایر با انصاف و عدالت است؛ مثلاً چنانچه مسئول حادثه دو نفر باشند که یکی از آنها ۸۰ درصد و دیگری ۲۰ درصد در وقوع حادثه زیانبار تأثیر و مداخله داشته باشد، پرداخت ۵۰ درصد

خسارت به وسیله هر یک از اسباب، بدین مفهوم است که سبب اول بدون هیچ توجیهی از تأدیة ۳۰ درصد مسئولیت ناشی از فعل خود معاف شده و سبب دوم به ناحق ۳۰ درصد بیش از دین واقعی اش پرداخته است. یا در تصادفات رانندگی میان دو وسیله نقلیه سبک و سنگین، راننده وسیله‌ای که سبک‌تر و ضعیف‌تر و احتمالاً ارزان‌تر است، نباید به اندازه راننده وسیله قوی‌تر و گران‌تر در جبران خسارت سهیم باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۷).

اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه ممکن است با این انتقادات و با وجود آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام/ ۱۶۴) و اصل شخصی بودن مسئولیت‌ها در حقوق اسلام، فقها قائل به روشی شوند که اعمال بدون قید و شرط آن در بسیاری از موارد نه تنها به نتایج غیر عادلانه می‌انجامد، بلکه موجب بر عهده گرفتن بار مسئولیت دیگری می‌شود؟ در جواب ممکن است چنین استدلال شود که حالات و فروضی که فقها در آن قائل به تقسیم مسئولیت به تساوی شده‌اند، غالباً مواردی هستند که امکان تعیین سهم مداخله و تأثیر هر سبب در وقوع زیان وجود ندارد؛ چنان که در تصادفات - که غالب مثال‌های داده شده توسط فقها را شامل می‌شود و مشهور فقها هر یک از طرفین را ضامن نصف خسارت دیگری می‌دانند، تعیین میزان تأثیر و مداخله هر طرف، آن هم با شرایط و امکانات آن زمان، امری مشکل و عملاً غیر ممکن بوده است. پس فقها بر مبنای ظاهر، فرض را بر تأثیر هر سبب به میزان ۵۰ درصد نهاده و هر کدام را به جبران نیمی از خسارت طرف دیگر محکوم نموده‌اند. بنابراین اگر با شرایط حاضر بتوان سهم هر سبب در وقوع حادثه را معلوم و به همان اندازه وی را مسئول دانست، به نظر می‌رسد که با نظر فقها مخالفتی نداشته باشد؛ زیرا فقه اسلام محل استدلال و بررسی نظرات است و با گذر زمان، قابلیت تغییر و تحول و تکامل را دارد و مؤید این استدلال، نظر برخی از فقهای معاصر است که ظاهر را در تقسیم مسئولیت دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۹/۲). معنای این حرف آن است که امکان اثبات خلاف ظاهر وجود دارد؛ یعنی ثابت شود که میزان تأثیر هر سبب در وقوع حادثه به اندازه سبب دیگر نبوده و با آن تفاوت دارد و در نتیجه بر خلاف فرض (تأثیر مساوی اسباب)، حکم به مسئولیت هر یک از اسباب در جبران خسارت زیان دیده به اندازه درجه تأثیر و نحوه

مداخله در وقوع حادثه داده شود.

اما تفسیر مزبور قابل قبول نمی‌باشد و اساساً نمی‌توان پذیرفت که نظر مشهور فقهای امامیه که تساوی را پذیرفته‌اند، مبتنی بر ظاهر بوده و خلاف آن در صورتی که امکان تعیین سهم مداخله هر سبب در وقوع زیان وجود داشته باشد، قابل اثبات است؛ زیرا در اول: فقها در باب تصادم دو نفر، حتی میان اینکه یکی ایستاده باشد و دیگری در حال حرکت باشد - که مسلماً در این گونه موارد، شکی در تفاوت میزان تأثیر و مداخله هر سبب وجود ندارد، فرقی قائل نبوده و هر دو نفر را نسبت به جبران نصف خسارت دیگری ضامن دانسته‌اند یا در تصادف دو سوار، میان نوع مرکب یا سرعت آن‌ها که مسلماً در میزان مداخله و تأثیر هر سبب در ایجاد خسارت مؤثرند، تفاوتی قائل نبوده و در هر حال، هر یک را ضامن نصف خسارت وارد به دیگری دانسته‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۳۴۱-۳۳۹/۱۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۹۲/۷؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۶۳/۴۳-۶۸). بنابراین به نظر می‌رسد که نظر مشهور فقهای امامیه از این حیث مطلق بوده و میزان مداخله در تأثیر هر سبب، در این محاسبه نقشی ندارد.

دوم: همان طور که قبلاً ملاحظه شد، نظر مشهور فقها در تمامی موارد حتی در غیر تصادفات و در مواردی که امکان تعیین سهم مداخله و تأثیر هر سبب وجود دارد، مطلق بوده و ایشان میزان مداخله و تأثیر اسباب را در این میان بی‌تأثیر دانسته‌اند؛ برای مثال در *جواهر الکلام* و *کشف اللثام* آمده است که هر گاه یک نفر سنگی را عدواناً در محل عبور و مرور قرار دهد و دو نفر دیگر سنگ دیگری را در کنار آن عدواناً بگذارند و شخص چهارمی در اثر برخورد با هر دو سنگ سقوط کند و تلف شود. فقها دو احتمال را مطرح کرده‌اند، احتمال نخست آن است که هر کدام یک سوم خسارت را بدهند و تساوی مسئولیت حاکم شود و احتمال دوم این است که نصف خسارت بر عهده کسی است که یک سنگ گذاشته و نصف دیگر به طور مساوی بر عهده آن دو نفری است که مشترکاً سنگ را نهاده‌اند. نظر ایشان در نهایت، تساوی در مسئولیت است و نشان می‌دهد که تساوی عددی در اسباب، معیار مورد پذیرش ایشان است (نجفی، ۱۳۶۲: ۹۹/۴۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۶۳/۱۱).

ب) تقسیم خسارت به نسبت درجه تقصیر

برای تقصیر درجاتی فرض شده است. طبق این درجه‌بندی، تقصیر گاه سنگین است و آن‌چنان خطایی است که شخص مسامحه کار هم مرتکب نمی‌شود، و گاه متوسط است و آن خطایی است که یک انسان متعارف انجام نمی‌دهد و گاهی نیز سبک است و آن خطایی است که شخص بسیار محتاط مرتکب نمی‌شود (یزیدیان جعفری، ۱۳۸۵: ش ۳۱۴/۸). گرچه این درجه‌بندی در حقوق مشهود است، زیرا ماده ۳۹۱ قانون تجارت اسلامی «تقصیر عمدی»، و بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی از «غفلت قابل اغماض»، و ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب از «مقصر اصلی و فرعی» سخن گفته‌اند،^۱ اما باید گفت که در حقوق مسئولیت مدنی، این درجه‌بندی تأثیری در اصل مسئولیت ندارد و تقصیر به هر درجه که باشد، سبب ایجاد مسئولیت است. با وجود این، در نظر برخی حقوق‌دانان و قضات، درجه‌بندی خطا (معیار تقسیم مسئولیت) به شمار آمده است (صانعی، ۱۳۷۵: ۲۸۱). به عقیده طرفداران این معیار، در صورتی که تقصیر چند نفر باعث ایجاد خسارتی شود، بهترین راه حل برای تقسیم خسارت بین مسئولان متعدد، میزان تقصیری است که از آنان سر زده است؛ یعنی فردی که تقصیر شدیدتری مرتکب شده است، باید خسارت بیشتری بپردازد. این نظر نشان می‌دهد که آنچه در توزیع خسارت مهم است، «میزان و نسبت سهم» می‌باشد، ولی برای تعیین این سهم باید درجه تقصیر را در نظر داشت. البته باید دانست که طرفداران معیار درجه تقصیر به رغم پذیرش این معیار، در جایی که تنها یک مقصر موجب خسارت شود و یک مسئول وجود داشته باشد، به لحاظ رعایت جانب زیان‌دیده، مقصر را موظف به جبران کامل خسارت زیان‌دیده می‌دانند. ولی در صورتی که چند تقصیر در ایجاد خسارت مشارکت داشته و مسئولان متعدد باشند، این معیار بدون اینکه با منافع زیان‌دیده تعارض پیدا کند، به مرحله اجرا در می‌آید.

نظریه تساوی مسئولیت و تنصیف در قانون، نظر مشهور فقهاست و اقلیت فقهای متقدم و اکثریت فقها و مراجع تقلید عصر حاضر، اعتقاد به نسبت‌سنجی مسئولیت

۱. ماده ۳۹۱: «اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل، دعوی پذیرفته نخواهد شد، مگر در مورد تدلیس یا تقصر عمدی...».

دارند.^۱

جمعی از فقها و مراجع تقلید در پاسخ به این سؤال که اگر علت حادثه، بی احتیاطی چند نفر با درصدهای متفاوت باشد، نحوه توزیع خسارت بین آنها چگونه است، به صراحت اعلام نموده‌اند که در این خصوص باید میزان مسئولیت بر مبنای میزان تقصیر تعیین شود و ملاک قاعده تقصیر است.^۲

نقد نظریه

عمده‌ترین ویژگی این معیار، سازگاری آن با احساس عدالت قضات و حقوق‌دانان و طرفین دعوی ذکر شده است؛ زیرا عقل سلیم و مصلحت جامعه حکم می‌کند که مرتکب تقصیر بزرگ‌تر، مستحق حکم شدیدتر باشد. اما به نظر حقوق‌دانان، معیار درجه تقصیر، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی قابل ایراد و خدشه است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۰۰).

ایراد نظری: معیار تقصیر از این حیث، با سه ایراد اساسی مواجه است:

۱. این معیار با قواعد عمومی مسئولیت مدنی در تعارض است؛ زیرا جبران خسارت را مجازات تلقی نموده و آن را با درجه تقصیر می‌سنجد؛ در صورتی که جبران خسارت باید با مقدار خسارتی که از یک سبب آمده، تناسب داشته باشد. بنابراین این دیدگاه، مسئولیت مدنی را به مسئولیت کیفری نزدیک کرده و با آن آمیخته است.

۲. در مورد معنای دقیق این معیار تردید وجود دارد که آیا باید معیار نوعی را در نظر گرفت و بدین ترتیب برای تعیین درجه تقصیر، میزان انحراف هر یک از طرفین از رفتار یک فرد متعارف در آن اوضاع و احوال و نیز قابل پیش‌بینی بودن زیان را ملاک قرار داد یا باید معیار شخصی را در نظر گرفت و بدین ترتیب برای تعیین درجه تقصیر، میزان

۱. آیه‌الله مکارم شیرازی، آیه‌الله بهجت، آیه‌الله فاضل لنکرانی و آیه‌الله خامنه‌ای از آن جمله هستند.
۲. در استفتایی دیگر از آیه‌الله فاضل لنکرانی چنین سؤال شد: «در تصادفات، کارشناس رانندگی هر یک از طرفین را به میزان خاص مقصر می‌داند، مثلاً یکی ۲۰ درصد و دیگری ۸۰ درصد، آیا این موجب می‌شود که دیه به نسبت درصد تقصیر حساب شود یا تصیف می‌شود؟». ایشان در پاسخ فرمود: «هرگاه حادثه مستند به هر دو باشد، هر یک به مقدار درصدی که مقصر است باید دیه را بپردازد» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

قابل سرزنش هر یک از طرفین را از لحاظ شخصی مدّ نظر داشت و یا ترکیب آن دو معیار را در نظر داشت.

۳. این معیار با مبنای مسئولیت تضامنی در آن دسته از نظام‌های حقوقی که مسئولیت تضامنی اسباب زیان را پذیرفته‌اند، در تعارض است؛ زیرا مبنای مسئولیت تضامنی، عدم امکان تعیین مشارکت هر یک از اسباب ایجاد خسارت است. از این رو، فاعل هر سبب، مسئول تمام خسارت تلقی می‌شود. با این معنا دیگر نمی‌توان گفت که دادرس می‌تواند خسارت را بین مسئولان با توجه به درجه تقصیر تقسیم کند؛ زیرا معیار تقصیر، تقسیم خسارت را به قسمت‌های نامساوی امکان‌پذیر می‌داند؛ یعنی تعیین میزان مشارکت هر یک از اسباب در ایجاد خسارت بر طبق معیار مزبور، امری ممکن است و بدین ترتیب، استدلال به عدم امکان تقسیم خسارت که دلیل مسئولیت تضامن بود، منتفی می‌گردد و به دنبال آن خود مسئولیت تضامن هم از بین می‌رود.

ایراد عملی

۱. میان درجه تقصیر و میزان خسارت ناشی از آن، هیچ رابطه مستقیم و ثابتی وجود ندارد؛ بدین معنا که ممکن است تقصیری سنگین، نقش کوچکی در ایجاد خسارت داشته باشد و در مقابل، تقصیری کوچک سبب ایجاد خسارت زیادی شود؛ برای مثال، اگر راننده قطار مرتکب تقصیر کوچکی مانند بی‌توجهی در کمتر از چند ثانیه بشود، بدترین فجایع به بار خواهد آمد. علاوه بر این، تقصیر هر قدر هم کوچک باشد، به تنهایی موجب تمام خسارت می‌شود و کلیه تقصیرها به هر درجه که باشند، به یک اندازه در ایجاد خسارت مشارکت دارند. فرض کنیم که برای حرکت دادن یک واگن قطار، نیرویی برابر یکصد واحد نیاز است. اگر «الف» با نیرویی برابر ۹۹ واحد آن را هل دهد، کمترین حرکت و جابه‌جایی صورت نمی‌گیرد، ولی هنگامی که «ب» می‌آید و فقط به اندازه یک واحد به آن واگن فشار وارد می‌کند، واگن به حرکت درآمده و «ج» را زیر می‌گیرد و موجب مرگ او می‌شود. آیا می‌توان گفت که سببیت «ب» در ایجاد حادثه زیانبار، کمتر از سببیت «الف» است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا بدون «ب» هیچ خسارتی به وجود نمی‌آمد، همان‌گونه که کار «الف» به تنهایی موجب خسارت نمی‌گردید. بنابراین میزان سنگینی تقصیرها تأثیری بر مسئولیت مدنی

ندارد، هر چند ممکن است که مسئولیت کیفری مؤثر باشد.

۲. معیار تقصیر از نظر عملی موجب اعمال سلیقه قضات می‌گردد و در موارد مشابه، احکام متفاوت صادر خواهد شد؛ زیرا تعیین میزان خسارت به نسبت درجه تقصیر آسان نیست و به سادگی نمی‌توان تعیین کرد که تقصیر یک شخص با تقصیر شخصی دیگر تفاوت دارد؛ برای مثال چه کسی می‌تواند بگوید تقصیر راننده‌ای که دارای سرعت غیر مجاز است، بیشتر است یا تقصیر عابری که در حال خواندن روزنامه از خیابان عبور می‌کند؟ و در صورت تفاوت، مقدار آن چقدر است؟ از این رو دادگاه‌ها و قضات راه حل‌های بسیار متفاوتی را در موارد مشابه در پیش خواهند گرفت.

ج) تقسیم خسارت به نسبت درجه تأثیر

گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که توزیع مسئولیت باید بر حسب «میزان مداخله» و درجه تأثیر هر کدام از اسباب در وقوع خسارت صورت بگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۸۹/۱)؛ یعنی هر مسئول باید به مقدار اثرگذاری و نقش سببی خود در ایجاد خسارت، جبران آن را تحمل کند. به عبارتی می‌توان از بررسی کیفیت دخالت هر سببی، به کمیت هر سبب در ایجاد خسارت پی برد و هر یک از آن‌ها را به اندازه کمیت خود در ایجاد خسارت مسئول قرار داد. البته برای تشخیص درجه تأثیر و میزان خسارت ناشی از فعل هر یک از اسباب، علاوه بر درجه تقصیر واردکنندگان زیان، به عوامل دیگری مانند دوری و نزدیکی آن‌ها، سبکی و سنگینی وسیله نقلیه در حوادث رانندگی، میزان سرعت، نوع وسیله نقلیه، نحوه ورود ضرر و به طور کلی به شرایط و اوضاع و احوال موجود در هنگام حادثه توجه می‌شود.

این نظریه در میان حقوق‌دانان با تعابیر مختلفی مطرح شده است. به اعتقاد برخی، منظور از تقسیم مسئولیت به نسبت درجه تأثیر این است که مسئولیت را بر مبنای احتمال تأثیر هر کدام از اسباب در تحقق زیان تقسیم نماییم؛ یعنی اگر احتمال داده شود که سببی معین، ۸۰ درصد منجر به ایجاد زیانی می‌شود، سبب مذکور به میزان ۸۰ درصد در تحقق آن ضرر نقش دارد و باید به همین میزان از عهده خسارت زیان‌دیده برآید

(درودیان، ۱۳۷۴: ۱۰۲). گروهی دیگر قائل شده‌اند که مسئولیت را باید به نسب درجه تأثیر و مداخله واقعی و نه احتمالی اسباب مذکور در وقوع زیان تقسیم کرد؛ بدین معنا که پس از تشخیص تأثیر واقعی هر کدام از اسباب در وقوع حادثه زیانبار، مسئولیت را به همان نسبت بین آن‌ها تقسیم کرد (امامی، ۱۳۷۹: ۲۵۹/۱).

بر اساس نظر اول، احتمال تأثیر یک سبب در وقوع حادثه، مبنای اصلی تقسیم مسئولیت هر سبب در جبران خسارت می‌باشد که به نظر می‌رسد پذیرش این نظر نه تنها منطقی نیست، بلکه اساساً با احتمال نمی‌توان نقش هر سبب را تعیین کرد و میزان خسارتی را که باید جبران نماید، بر عهده او نهاد.

ولی بر اساس نظر دوم، تأثیر واقعی و مداخله واقعی و نه احتمالی اسباب در وقوع زیان، نقش اساسی دارد و قاضی باید بر این اساس اقدام به تقسیم مسئولیت میان اسباب دخیل در زیان نماید و یکی از عوامل مؤثر و مهم در تشخیص این درجه تأثیر، شدت و ضعف تقصیر هر کدام خواهد بود. ولی دادرس باید سایر عوامل، مانند سنگینی وسیله نقلیه در تصادم‌های رانندگی را نیز در نظر آورد و با توجه به همه اوضاع و احوال قضیه، میزان مسئولیت هر یک را معین سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۸۹/۱).

در فقه شیعه هرچند نظر مشهور فقها، تقسیم مسئولیت به صورت تساوی است، ولی برخی از فقها احتمال تقسیم مسئولیت را به نسبت مداخله و تأثیر هر یک از اسباب نیز مطرح کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۸۱/۲). به اعتقاد برخی از علمای معاصر، میزان مسئولیت اسباب در جبران خسارت بر مبنای درجه تأثیر و نحوه مداخله عوامل تقسیم می‌شود. در استفتایی از آیه‌الله مکارم شیرازی در این باره آمده است:

مینی بوسی با سرعت غیر مجاز در بلوار در حال حرکت بوده که در همین حال موتورسیکلتی از فرعی وارد بلوار شده و باعث وقوع تصادف می‌گردد و در نتیجه راننده موتور سیکلت فوت می‌کند. کاردان فنی نظر داده که به علت ورود از فرعی به اصلی، عامل تصادف موتورسیکلت بوده، لکن سرعت مینی بوس نیز زیاد و در تشدید تصادف مؤثر بوده است. آیا تمام دیه را باید راننده مینی بوس پردازد یا قسمتی از دیه را یا هیچ مسئولیتی متوجه وی نیست؟

جواب: چنانچه وقوع قتل مستند به کار هر دو باشد، هر یک از آن دو به مقدار تأثیری که در وقوع قتل دارند، ضامن دیه هستند. بنابراین ملاک ضمان، سببیت در

وقوع حادثه است و هر گاه حادثه به دو نفر یا بیشتر استناد دارد، هر کدام به مقدار تأثیرشان ضامن هستند.^۱

در فقه اهل سنت نیز آمده است که هر گاه گروهی در یک تعدی شرکت داشته باشند که به وسیله آن کسی یا چیزی تلف شود، مسئولیت آن‌ها بر حسب میزان سهمی که هر یک در ایجاد ضرر داشته‌اند، توزیع می‌شود؛ مثلاً هر گاه مردی سنگی را در راه بگذارد و دو مرد دیگر سنگی در کنار سنگ اول بگذارند و آنگاه شخص چهارمی بر روی سنگ بلغزد و بیفتد و بمیرد، یکی از فقهای حنفی (زفر بن هذیل) در این مسئله می‌گوید:

بر مردی که خود به تنهایی سنگی گذاشته، نصف دیه است؛ زیرا کار او برابر با کار آن دو نفر دیگر است. در این صورت، آن دو تن نیز نصف دیه را می‌پردازند (ادریس، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

یکی دیگر از فقهای حنفی به نام ابویوسف می‌گوید:

دیه به طور برابر توزیع می‌شود و هر یک از آن سه تن باید یک سوم دیه را بپردازد؛ زیرا سبب جنایت به وسیله آن سه تن پدید آمده و ضامن بر عهده هر سه تن به طور یکسان است.

از جمله مواردی که فقها احتمال تقسیم مسئولیت را به نسبت مداخله اسباب داده‌اند، باب غضب می‌باشد. در این مورد گفته شده که هر گاه چند نفر مشترکاً مال غیر را غضب نمایند، ضامن هر کدام از آنان به نسبت استیلا بر مال مغضوب تعیین می‌شود؛ یعنی هر غاصب به اندازه سهمی که در غضب مال دیگری دارد، مسئول است. بنابراین هر گاه دو نفر با هم چیزی را غضب کنند، اگرچه هر یک به تنهایی می‌توانسته آن را غضب نماید، هر کدام از آنان به نسبت استیلابی که پیدا کرده است، ضامن آن است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۷۶/۲). البته در این مورد نیز برخی از فقهای دیگر به صراحت گفته‌اند که مسئولیت بین غاصبان شرکت کننده در ارتکاب غضب، به تساوی تقسیم می‌شود (عاملی جزینی، ۱۴۱۴: ۱۰۶/۳). بنابراین معیار تقسیم مسئولیت بر اساس نحوه

1. <<http://makarem.ir/Question/ViewQuestion.aspx?lid=0&mid=19890>>.

مداخله اسباب زیان یا همان درجه تأثیر آن‌ها، طرفدارانی در میان فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی دارد.

نقد نظریه

این معیار با دو ایراد اساسی از طرف مخالفان مواجه شده است. اولین ایرادی که به این معیار گرفته‌اند، مشکل عملی تعیین میزان تأثیر و مداخله هر یک از اسباب در وقوع خسارت می‌باشد. منتقدین بر این باورند که از لحاظ عملی در بسیاری از موارد سخت و تقریباً محال است که بتوان تأثیر هر سبب را در وقوع حادثه زیانبار مشخص کرد. از این رو، نظریه مذکور به لحاظ عملی نمی‌تواند مشکل دادگاه‌ها و نیز مسئله تعیین سهم هر یک از اسباب در تعیین مسئولیت را حل نماید.

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که هر راه حل حقوقی ممکن است در عمل با مشکلاتی مواجه شود و نتواند به صورت کامل به حل مسائل حقوقی کمک کند، ولی وجود مشکلات نباید موجب کنار گذاشتن قطعی آن باشد. اگر تقسیم مسئولیت بر اساس نحوه مداخله و تأثیر نیز در عمل با مشکلاتی همراه باشد، تشخیص این امر بر عهده دادگاه است و در صورتی که دادگاه لازم بدانند، می‌توانند از نظر کارشناس استفاده نمایند. پس به نظر می‌رسد که شیوه‌ای مناسب و منطقی برای تقسیم مسئولیت میان اسباب زیان باشد. بنابراین به جای کنار گذاشتن آن می‌توان تا جایی که امکان دارد از این معیار استفاده کرد. در مواردی که واقعاً امکان تقسیم مسئولیت بر این اساس وجود ندارد، به شیوه تقسیم مسئولیت به طور مساوی تمسک نموده‌اند.

ایراد دوم که منتقدین بر این نظر وارد کرده‌اند، این است که چه بسا درجه تأثیر مجموع سبب‌ها در وقوع خسارت بیش از ۱۰۰ درصد شود؛ مثلاً در صورتی که درجه احتمال ایجاد حادثه زیانبار به وسیله هر یک از اسباب بیش از ۵۰ درصد باشد، درجه تأثیر مجموع آن‌ها بیش از ۱۰۰ درصد می‌شود. در این صورت نمی‌توان بر اساس آن، خسارت وارده را میان اسباب مذکور تقسیم کرد. بنابراین در چنین حالتی، این شیوه تقسیم مسئولیت کارکرد خود را از دست می‌دهد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵: ش ۴۱۴/۸).

در پاسخ به ایراد مذکور، امروزه دادگاه‌ها از کارشناسان و افراد خبره در هر فن برای

تسهیل رسیدگی، تعیین میزان غرامت، تعیین میزان مداخله و تأثیر هر عامل و... استفاده می‌نمایند. بنابراین در عمل، اتخاذ این شیوه از سوی قاضی مشکلات عملی مذکور را به همراه ندارد و با کسب نظر کارشناس می‌توان نحوه مداخله و تأثیر هر سبب را تعیین و بر اساس آن حکم صادر نمود. بنابراین این روش تقسیم مسئولیت اگرچه ممکن است در ابتدا مشکلاتی نیز داشته باشد، به دلیل تقسیم عادلانه مسئولیت میان عواملی که ضرر را به وجود آورده‌اند و رعایت اصول حقوقی نظیر اصل شخصی بودن و اینکه هر کس باید زیان‌هایی را که وارد نموده، جبران نماید، روشی عادلانه است و باعث می‌گردد که هر سببی، جبران خسارت‌هایی را بر عهده بگیرد که عامل آن بوده و از جبران ضرری که توسط دیگری واقع شده، معاف شود. شاید پذیرش این نظریه توسط قانون‌گذاران بسیاری از کشورهای متمدنی از جمله آلمان و انگلیس و همچنین اهمیت خاص این شیوه در نظر برخی از حقوق‌دانان، نشانگر قوت آن باشد، پس کنار زدن آن و تفکیک به روش تقسیم مسئولیت به نحو مساوی به بهانه مشکلات عملی آن در دادگاه‌ها، شیوه‌ای است که حقوق و عدالت نمی‌پذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که در حقوق غیر از موارد خاصی که در آن‌ها بر تضامن تصریح شده است، بهتر است تقسیم مسئولیت بر اساس نحوه مداخله و تأثیر هر سبب، به عنوان شیوه اصلی تقسیم مسئولیت در نظر گرفته شود و فقط در موارد استثنایی که واقعاً امکان تقسیم مسئولیت بر اساس این شیوه وجود ندارد، به شیوه تقسیم مسئولیت به نحو مساوی رجوع شود.

بند ۲: مسئولیت تضامنی

تضامن در لغت به معنای ضامن یکدیگر شدن آمده است (معین، ۱۳۷۸: ۱۰۹۳/۳). در اصطلاح حقوقی می‌توان آن را به التزام‌های متعدد در خصوص یک دین اعتبار نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۹۰). بر اساس مفهوم مسئولیت تضامنی، هر یک از اسباب ایجاد خسارت در مقابل زیان دیده، مکلف به پرداخت تمام خسارت است و هیچ یک از آن‌ها نمی‌تواند به استناد اینکه اسباب دیگری نیز مسئول‌اند و خسارت باید بین آن‌ها تقسیم شود، از جبران خسارت زیان دیده سر باز زند؛ در حالی که هر یک از اسباب زیان، در حقیقت مدیون بخشی از آن است، نه همه آن. یعنی در واقع، هر یک از

اسباب تنها به اندازه‌ای که در خسارت تأثیر و دخالت داشته، مدیون است؛ اما قانون‌گذار بنا بر رعایت مصالحی، هر یک از آن‌ها را نسبت به کل دین مسئول قلمداد کرده است. همچنین ویژگی دیگر مسئولیت تضامنی این است که پرداخت دین از سوی هر یک از اسباب زیان، دیگر اسباب را بری می‌کند. بنابراین زیان‌دیده حق ندارد از مجموع اسباب، مبلغی بیش از میزان خسارت خود بگیرد. البته این نظریه موافقان و مخالفانی دارد.

دلایل موافقان

۱. این راه حل با منطق حقوقی سازگار است؛ زیرا فرض این است که اسباب متعدد، با هم خسارت را به وجود آورده‌اند و هر کدام از اسباب، باعث تأثیرگذاری سبب دیگر شده است. بنابراین نمی‌توان گفت که یک سبب فقط قسمتی از خسارت را ایجاد کرده است؛ زیرا تجزیه سببیت و مسئولیت در صورت اشتراک اسباب متعدد صحیح نیست (همو، ۱۳۸۶: ۴۸۵/۱).

بدین ترتیب هر گاه اسباب متعدد، در ایجاد خسارت دخالت داشته باشند، هر سبب، سبب کل خسارت محسوب می‌شود؛ یعنی هر عامل از عوامل متعدد، به تنهایی سبب کل خسارت به شمار می‌آید؛ زیرا دخالت آن سبب برای ایجاد خسارت ضروری است و بدون آن سبب اصلاً خسارت ایجاد نمی‌شد و نمی‌توان تصور کرد که کسی کمتر از کل خسارت را به بار آورده است (سنه‌وری، ۱۹۸۸: ۱۰۱۸/۱). بنابراین هر فاعلی ملزم به پرداخت کل خسارت است؛ چرا که او کل خسارت را به وجود آورده و با دخالت و کار او خسارت وارد شده است و بدون دخالت او خسارت واقع نمی‌شد. بنابراین منطقی خواهد بود که هر یک از اسباب مذکور، مسئول پرداخت کل خسارت زیان‌دیده باشد. اما چون زیان‌دیده بیش از یک حق ندارد و تنها همان را می‌تواند از چند ضامن بگیرد، همین که خسارت جبران شود، حقی که مبنای ضمان است از بین می‌رود و همه ضامنان بری می‌شوند.

۲. آنچه در یک دادرسی عادلانه و حقوق مسئولیت مدنی مورد نظر قرار می‌گیرد، جبران خسارت زیان‌دیده به بهترین نحو ممکن می‌باشد و مسئولیت تضامنی عوامل

دخیل در ایجاد زیان در برابر زیان دیده، این هدف را تحقق می‌بخشد و حوادثی نظیر اعسار یک یا چند نفر از این عوامل، منعی در جهت جبران کامل خسارت وی ایجاد نمی‌کند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۸۰). بنابراین هرچند قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تقسیم و توزیع مسئولیت را ایجاب می‌کند، یعنی اصل، تقسیم تعهد و مسئولیت در صورت تعدد مسئولان است، ولی چون اجرای قواعد عمومی مسئولیت مدنی به نفع مسئولان متعدد و به ضرر زیان‌دیدگان است، راه حلی غیر عادلانه به نظر می‌رسد. اما به نفع مسئولان است، چون تقسیم مسئولیت بین آنان، موجب تخفیف مسئولیت مسئول در صورت دخالت شخص دیگر در ایجاد ضرر می‌شود، حال آنکه اگر مسئول به تنهایی خسارات را وارد کرده بود، از چنین تخفیفی برخوردار نمی‌شد، پس تقصیر اشخاص ثالث نباید مسئولیت فرد را کاهش دهد. از سوی دیگر به ضرر زیان‌دیدگان است، چون زیان‌دیده را با خطر اعسار یک یا چند تن از مسئولان متعدد مواجه می‌کند؛ در صورتی که زیان‌دیده باید بتواند خسارت کامل خود را از هر یک از مسئولان مطالبه کند و خطر اعسار یکی از مسئولان باید متوجه روابط بین خودشان گردد، نه متوجه روابط بین آنان با زیان‌دیده. بنابراین منطق و عدالت نمی‌پذیرد که در رفتار با زیان‌دیده در حالت وجود مسئولان متعدد، سخن از حالتی باشد که تنها یک مسئول در برابر او قرار می‌گیرد.

۳. طرفداران مسئولیت تضامنی بر این باورند که هرچند مسئولیت تضامنی اسباب زیان از سوی فقها مورد تردید واقع شده است، اما در موردی استثنایی، مسئولیت تضامنی را پذیرفته و بدان حکم کرده‌اند. مهم‌ترین موردی که فقهای اسلام مسئولیت تضامنی را پذیرفته‌اند در باب «ایادی متعاقبه در غضب»^۱ می‌باشد. بر این اساس، همه ایادی (دست‌ها) در مقابل مالک ضامن می‌باشند؛ یعنی مالک می‌تواند برای گرفتن مثل یا قیمت مال خود به هر کدام که خواست رجوع نماید (رشتی گیلانی نجفی، ۱۳۸۸: ۲۶۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۸۴/۲) و این حکم در میان فقهای امامیه به حدی قوت دارد که برخی آن را بدون مخالف و بی‌اشکال دانسته و حتی امکان اجماع بر آن را منتفی

۱. ایادی متعاقبه در لغت به معنای دست‌های پی‌درپی است و منظور از مسئولیت ایادی متعاقبه، مسئولیت کسانی است که یکی پس از دیگری مالی را غضب کرده‌اند.

ندانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۳/۳۷) و گروهی دیگر ادعا کرده‌اند که حکم مذکور اجماعی است (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۵۱۷/۱۰). همچنین در فرضی که شخص غاصب، کسی را برای تلف عین مغصوبی که در دست اوست، اکراه یا مجبور نماید، گفته شده است که مالک می‌تواند به هر کدام از غاصب و مکره، برای مطالبه تمام یا قسمتی از مثل یا قیمت مال خود مراجعه نماید و این حکم در هر موردی که دست متصرف بر مالی، ضمانتی باشد، جاری است. بنابراین هرچند منطقی است که دین واحد منحصرأ بر ذمه یک شخص تعلق می‌گیرد، یعنی برای یک دین فقط یک مدیون وجود دارد، ولی این امر منافاتی ندارد با این موضوع که ما چند نفر را مسئول پرداخت یک دین بدانیم؛ زیرا مسئول بودن چند نفر به معنای مدیون بودن همه آنها نیست. به عبارت دیگر، مسئولیت تضامنی بدین معناست که یک دین، یک مدیون بیشتر ندارد، ولی چند نفر برای پرداخت همان یک دین مسئولیت دارند. از این روست که اگر یکی از ضامنان، دین مذکور را بپردازد، بقیه از مسئولیت معاف می‌شوند (زحیلی، ۱۴۲۹: ۳۸).

۴. بخش اول ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد:

در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند.

بر مبنای وحدت ملاک آن می‌توان مسئولیت تضامنی اسباب متعدد را استنباط کرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۸۶۵). به علاوه مسئولیت تضامنی در سایر قوانین نیز به چشم می‌خورد. مطابق بند «ج» ماده ۱۶۵ قانون دریایی درباره «خسارت ناشی از تصادفات دریایی»،^۲ عده‌ای عقیده دارند که در خسارت کشتی‌ها به دیگران باید بر اساس اصول

۱. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خسارتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است؛ مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود، کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود، مراجعه نماید».

۲. بند «ج» ماده ۱۶۵ قانون دریایی درباره خسارت ناشی از تصادفات دریایی: «کشتی‌های مقصر نسبت به خسارات ناشی از فوت و صدمات بدنی در مقابل اشخاص ثالث منفرداً و متضامناً مسئول هستند و باید خسارت وارده را جبران نمایند».

کلی حکم داد که همان مراجعه به نسبت تقصیر است (هاشمی، ۱۳۹۲: ش ۷/۲) و ماده ۳۱۷ قانون مدنی درباره «خسارت ناشی از غصب»^۱ مسئولیت تضامنی را در مورد اسباب زیان مقرر نموده است که با توجه به وحدت مبنا می‌توان حکم مندرج در قوانین مزبور را به سایر موارد مشابه تعمیم داد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار با تصویب این مواد، تمایل خود را به پذیرش مسئولیت تضامنی ابراز نموده است. قانون‌گذاران برخی از کشورهای اسلامی نیز تقریباً همگی مسئولیت تضامنی اسباب متعدد را پذیرفته و بدان حکم داده‌اند. از جمله در حقوق مصر، ماده ۱۶۹ قانون مدنی این کشور اشعار می‌دارد:

هر گاه مسئولان فعل زیانبار متعدد باشند، مسئولیت آن‌ها نسبت به جبران خسارت، مسئولیت تضامنی است و لیکن بین خودشان مسئولیت به تساوی تقسیم می‌شود؛ مگر اینکه دادرس سهم هر یک را در جبران خسارت تعیین کند.

یعنی در رابطه بین زیان‌دیده و مسئولان، مسئولیت تضامنی است. اما در رابطه بین مسئولان، مسئولیت به تساوی توزیع و تسهیم می‌شود؛ مگر اینکه قاضی سهم هر یک را معین نماید. همچنین ماده ۱۷ قانون مدنی سوریه با پذیرش مسئولیت تضامنی اسباب زیان مقرر می‌دارد:

هر گاه چند نفر مسئول عمل زیانبار باشند، همگی به طور تضامنی مسئول جبران آن زیان هستند.

این حکم عیناً در ماده ۲۳۶ قانون مدنی لبنان و ماده ۱۷۲ قانون مدنی لیبی نیز آمده است (سنهوری، ۱۹۸۸: ۲۷۶/۳).

دلایل مخالفان

۱. اگرچه بنا به فرض، رابطه سببیت بین هر سبب (در اسباب متعدد) با خسارت وجود دارد، اما وجود این رابطه به معنای ایجاد سببیت و اثرگذاری هر یک از اسباب بر دیگری نیست تا گفته شود که هر سبب، سبب تمام خسارت است؛ زیرا فرض بر این

۱. ماده ۳۱۷ قانون مدنی: «مالک می‌تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر کدام از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند».

است که اسباب متعدد همگی خسارت را به وجود آورده‌اند. بنابراین سببیت برای جمیع اسباب است و یک سبب اگرچه جدا از سایر اسباب، به گونه مؤثر است، اما به تنهایی سبب خسارت نیست. از این رو مسئولیت یکی از اسباب، به میزان تأثیر آن و مجموع اسباب ورود خسارت است، نه به اندازه تمام خسارتی که از مجموع اسباب به وجود آمده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۸۹). علاوه بر آن، استدلال به اینکه «هر سبب، سبب کل خسارت است»، نوعی مغالطه است؛ زیرا چنانچه بپذیریم خسارت در نتیجه اجتماع چند سبب به وجود آمده، خود این امر دلالت دارد بر اینکه یک سبب به تنهایی و جدای از اسباب دیگر نمی‌تواند سبب ایجاد کل خسارت باشد، بلکه آن سبب فقط یکی از اسباب ایجاد خسارت است؛ مثلاً اگر فقط راننده یک خودرو مرتکب خطا می‌شد، مسلماً با وجود تنها یک خودرو تصادف به وجود نمی‌آمد.

۲. مسئولیت تضامنی در معرض انتقاد عده‌ای از فقهای اسلامی قرار گرفته است (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ۱/۲۹۹). آن‌ها در رد تضامنی این گونه استدلال نموده‌اند که مقتضای نظریه تضامن این است که یک مال بر ذمه دو یا چند نفر قرار گیرد و هر کدام از آن‌ها مسئول تأدیة آن باشند، در حالی که این امر امکان ندارد؛ زیرا یک مال در آن واحد بر ذمه دو یا چند نفر مستقر نمی‌شود. به عبارت دیگر، از نظر ایشان همان گونه که در عالم واقع یک شیء نمی‌تواند در یک لحظه در چند مکان باشد، یک تعهد نیز نمی‌تواند در یک زمان در چند ذمه استقرار یابد.

۳. در حقوق اسلام به استناد آیه مبارکه ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام/ ۱۶۴)، هر کس پاسخ‌گوی اعمال خویش است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کند. به عبارتی، اصل شخصی بودن مسئولیت، اصلی پذیرفته‌شده در حقوق اسلام است؛ در حالی که مقتضای پذیرش مسئولیت تضامنی، قرار گرفتن مسئولیت شخصی بر ذمه دیگری است. از این رو نمی‌توان این نوع مسئولیت را پذیرفت.

۴. اثبات مسئولیت تضامنی، نیازمند انصراف از مقتضای اصل براءة است؛ زیرا مقتضای اصل براءة حکم می‌کند که هیچ کس بیش از آن مقداری که در ایجاد خسارت دخالت داشته، مسئولیت نداشته باشد. بنابراین تنها با اکتفا نمودن به این امر که مسئولیت تضامنی موجب تضمین و رعایت حق زیان‌دیده می‌شود، نمی‌توان از اصل

برائت خارج و مسئولیت تضامنی را پذیرفت.

۵. فقها در باب مسئولیت مدنی در مسئله تعدد اسباب که در سه مورد «تجمع در اتلاف، تجمع در سببیت و تجمع در اتلاف و سببیت» مصداق پیدا می‌کند، به نظریه «اشتراک» که همان تقسیم مسئولیت در خسارت است، تمایل نشان داده‌اند؛ یعنی هر گاه دو یا چند نفر در ایراد خسارت به دیگری مشارکت کنند، مانند اینکه با هم چاهی را در راه حفر کنند و شخصی در آن افتاده، مصدوم شود، همگی در برابر زیان دیده مسئول می‌باشند؛ ولی هر یک به اندازه سهم خود از مجموع خسارت و با رعایت میزان تأثیر عمل خویش باید خسارت زیان دیده را جبران کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۸۶۴).

به هر حال، پذیرش مسئولیت تضامنی در حقوق ایران به سادگی نیست؛ زیرا مسئولیت تضامنی بر خلاف اصل است و جنبه استثنایی دارد و قابلیت توسعه و تعمیم ندارد و فقط باید به مواردی اکتفا شود که قانون‌گذار به موجب ضرورت، به وجود این نوع مسئولیت تصریح کرده است.

نظریه برگزیده

بر اساس مطالب ارائه شده و جمع‌بندی دلایل طرفین نزاع به نظر می‌رسد نظریه اشتراک ضمان، نظریه‌ای عادلانه‌تر است و با موازین فقهی نیز سازگار است. اما پذیرش اشتراک به صورت مطلق می‌تواند با اصل عدالت و اصل شخصی بودن مجازات و جنایت در تضاد باشد. بر این اساس، اشتراک نسبی و تقسیم خسارت به میزان درجه تأثیر می‌تواند علاوه بر نقاط قوت نظریه‌های دیگر، از نقدهای وارده بر هر کدام از آنها در امان باشد؛ زیرا امروزه با توجه به پیشرفت علوم مختلف، تعیین میزان تأثیر هر کدام از سببها در ایجاد خسارت، کار چندان دشواری نیست و می‌توان میزان تأثیر هر کدام از سببها را تا اندازه زیادی معین کرد و از آنجا که خسارت، مقوله‌ای حقوقی است و با مجازات، تفاوت ماهوی دارد، طرح مسئله میزان تقصیر نیز موضوعی ندارد و نمی‌تواند تأثیری در میزان مسئولیت داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در خصوص تداخل عرضی اسباب، چند نظر وجود دارد. عده‌ای همه‌ی اسباب را به طور یکسان مسئول پرداخت خسارت می‌دانند که این نظر مشهور فقهاست و در مواد قانونی مورد توجه قرار گرفته است. البته این نظریه به طور مطلق، مخالف با عدل و انصاف و اصل شخصی بودن مسئولیت است. جمعی دیگر عقیده دارند صرف‌نظر از اینکه میزان دخالت هر یک از اسباب در بروز حادثه تعیین‌شدنی باشد یا اینکه چنین امری ممکن نباشد، اساساً به لحاظ دخالت چند سبب، همه‌ی آن‌ها به نحو تضامنی در مقابل زیان‌دیده، مسئول جبران تمام خسارت وارده هستند. این نظریه موافقان و مخالفانی دارد و هیچ‌گاه نمی‌توان از آن به عنوان یک اصل و قاعده‌ی عام و کلی استفاده کرد، بلکه به صورت استثنایی مطرح است؛ زیرا در حقوق اسلامی هر کس تنها پاسخ‌گوی عمل خویش است، مگر اینکه قانون‌گذار خود به تضامنی بودن آن تصریح نماید. بر مبنای نظر دیگر، از آنجا که تعیین مسئولیت هر یک از اسباب و درجه‌ی نقش‌آفرینی آن‌ها امکان‌پذیر است، پس هر یک از اسباب به میزان تأثیری که در ایجاد ضرر داشته است، مسئول می‌باشد. به این نظریه ایرادهایی وارد شده است که از نظر عملی، تعیین میزان تأثیر و مداخله‌ی هر یک از اسباب تقریباً سخت است. ولی ظاهراً این نظریه نسبت به سایر نظریه‌ها عادلانه‌تر است و تا جایی که امکان دارد باید از این معیار (تقسیم مسئولیت به نسبت درجه‌ی تأثیر) استفاده کرد و در مواردی که امکان تقسیم مسئولیت بر این اساس وجود نداشته باشد، به شیوه‌ی تقسیم مسئولیت به طور مساوی تمسک نمود.

کتاب‌شناسی

۱. ابن قدامه مقدسی، موفق‌الدین عبدالله بن احمد بن محمد، المعنی، بیروت، دار الکتب العربی للنشر و التوزیع، ۱۴۰۳ ق.
۲. ادريس، عوض احمد، ديه، ترجمه علیرضا فیض، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۳. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ دهم، تهران، اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، بنیاد استاد، ۱۳۵۷ ش.
۵. حکمت‌نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۶. درویدیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۷. رشتی گیلانی نجفی، میرزا حبیب‌الله، الغصب، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸ ش.
۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى، نظرية الضمان او احكام المسؤولية المدنية و الجنائية فی الفقه الاسلامی؛ دراسة مقارنة، چاپ هشتم، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۹ ق.
۹. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد؛ نظرية الالتزام بوجه عام، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ۱۹۸۸ م.
۱۰. صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، کتاب الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۳. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال‌الدین مکی، الدروس الشرعية فی فقه الامامیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان؛ درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن اصفهانی، كشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. قاسم‌زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. همو، نظریه عمومی تعهدات، تهران، یلدا، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سیزدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ ق.
۲۳. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۹۷۵ م.
۲۴. نجفی خوانساری، موسی بن محمد، کتاب منیة الطالب فی شرح مکاسب، تقریرات بحث میرزا محمدحسین غروی نائینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.

۲۵. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ترجمه اکبر نایب‌زاده، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. هاشمی، سیداحمدعلی، «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی*، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۷. یزدیان جعفری، جعفر، «معلوم نبودن مرتکب صدمات در منازعه و چگونگی جبران خسارت از زیان‌دیده آن»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۸، بهار ۱۳۸۵ ش.

